

The Study of Conceptualizing, Understanding, and transferring Meaning through Mental Space builders in Children's Literature in Kurdish

Jalal Tabashir* , Nahid Yarahmadzahi**

Amir Mohamadian***

Abstract

The present study investigates mental spaces in children's fictional literature in the Surani dialect of Kurdish, this study aimed to specify the use of space builders in children's fictional literature and how it contributes to the conceptualization and transfer of concepts. In this study, a corpus of children's stories in the Kurdish language including 20 storybooks (10 with male and 10 with female authors) was utilized. In a total of 1002 hundred sentences of these books, space builders of different types were found among which 24 sentences were extracted and carefully analyzed. After reviewing and analyzing these sentences to determine how mental space builders function in creating mental spaces and transferring the concepts, the results of the research showed that space builders are a very important issue in understanding and conveying concepts in children's literature. It can also be said that the lack of space builders in the texts of stories causes the reader not to correctly understand the sentences.

Keywords: Children's Literature, Kurdish Language, Mental Space builders, Mental Spaces, Cognitive Semantics.

* M.A in Linguistics, Chabahar Maritime University (Corresponding Author), tabashir.j@yahoo.com

** Assistant professor of Linguistics, Chabahar Maritime University, n.yarahmadzahi@cmu.ac.ir

*** Assistant professor of Linguistics Chabahar Maritime University, amir.mohamadian@cmu.ac.ir

Date received: 15/12/2021, Date of acceptance: 03/04/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی چگونگی مفهومی سازی، درک و انتقال معنی توسط فضاسازهای ذهنی در ادبیات کودکان در زبان کردی

جلال تابشیر*

ناهید یاراحمدزهی**، امیر محمدیان***

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی فضاسازهای ذهنی در ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی می پردازد با این هدف که مشخص سازد کاربرد فضاسازها در ادبیات داستانی کودکان چگونه است و چگونه به مفهومی سازی و انتقال مفاهیم کمک می کنند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا پیکره ای از متون نوشتاری کتاب داستان های کودکان در زبان کردی ساخته شود. این پیکره شامل ۲۰ جلد کتاب داستان (۱۰ جلد با نویسنده مرد و ۱۰ جلد با نویسنده زن) است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. در مجموع ۱۰۰۲ جمله که انواع فضاسازها در آنها استفاده شده بود، یافت شد، سپس تعداد ۲۴ جمله به شیوه ای تصادفی استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی و تحلیل این جملات با هدف مشخص نمودن چگونگی عملکرد فضاسازهای ذهنی در ایجاد فضاهای ذهنی و انتقال مفاهیم نشان می دهد که وجود فضاسازها یک عنصر بسیار مهم در درک و

* دانش آموخته زبان شناسی همگانی زبان شناسی همگانی، دانشگاه درینوردی و علوم دریایی چابهار (نویسنده مسئول)، tabashir.j@yahoo.com

** استادیار زبان شناسی همگانی، دانشگاه درینوردی و علوم دریایی چابهار، n.yarahmadzahi@cmu.ac.ir

*** استادیار زبان شناسی همگانی، دانشگاه درینوردی و علوم دریایی چابهار، amir.mohamadian@cmu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴



انتقال مفاهیم در ادبیات کودکان بوده و عدم استفاده مناسب از آن‌ها در متون داستان‌های کودکان باعث می‌شود که خواننده به درک درستی از جمله نرسد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کودک، زبان کردی، فضا‌ساز ذهنی، فضا‌های ذهنی، معنی‌شناسی شناختی.

۱. مقدمه

امروزه ادبیات به‌عنوان یکی از ارکان تأثیرگذار در جوامع مختلف بشری مطرح است. به‌همین دلیل درک معنا و مفاهیم نهفته در متون ادبی حائز اهمیت است. پژوهشگران از دیدگاه‌های مختلفی از جمله دیدگاه‌های زبان‌شناسی متن‌های ادبی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. اهمیت تحلیل ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی این است که نظر یک زبان‌شناس بانظر یک پژوهشگر ادبی لزوماً یکسان نیست، اما ابزار مشترک هر دو زبان است، پس می‌توانند در بسیاری موارد راهگشای همدیگر باشند. یکی از رایج‌ترین انواع تقسیم‌بندی آثار ادبی، تقسیم آن‌ها بر اساس نوع یا ژانر (Genre) است. ژانر عبارت است از مجموعه‌ای از ویژگی‌های صوری یا محتوایی که بر اساس آن، یک گروه از آثار ادبی را از سایر آثار متمایز و جدا می‌کنند. ژانرهای ادبی به دو دسته روایی و غیر روایی تقسیم می‌شوند که ادبیات کودکان از دسته ژانرهای روایی است.

ادبیات کودک، یکی از زیرشاخه‌های مستقل ادبیات است که در دوره اخیر نظر بسیاری از اندیشمندان علم زبان‌شناسی را به خود جلب نموده است. مصاحب (۱۳۸۰: ۷۲) ادبیات کودک و نوجوان را مجموعه آثاری می‌داند که برای مطالعه کودکان و نوجوانان تهیه شده و جنبه آموزشی و سرگرمی دارد. ادبیات کودک حاوی داستان‌ها و حماسه‌ها یا گاهی واقعیاتی از گذشته است که ابتدا بزرگسالان برای سرگرمی خود خلق کرده‌اند و سپس، برای این‌که کودکان هم بتوانند از آن‌ها بهره‌مند باشند، مطابق با درک و شناخت کودک تغییر داده‌اند و بدین گونه به‌مرور زمان داستان‌هایی ویژه گروه سنی کودکان با هدف تعلیم و آموزش و سرگرمی خلق شده است.

در جامعه کردزبان‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و شکل زندگی آن‌ها در گذشته داستان‌ها و افسانه‌هایی خلق شده است که در قالب واژه‌هایی متناسب با فرهنگ جامعه جامعه صوت و خط را بر تن کرده است. این داستان‌ها به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه از

نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شده است، اما امروزه این نوع قصه‌گویی در جامعه نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شده است و بیشتر داستان‌های شفاهی به قالب نوشتار درآمده‌اند. ادبیات کودکان در زبان کردی نیز که تا چندی پیش مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته و به صورت مکتوب درنیامده بود، در چند سال اخیر مورد توجه نویسندگان زن و مرد قرار گرفته است؛ بنابراین، جا دارد که ادبیات کودکان در زبان کردی (Kurdish Language) از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد، به امید آنکه راهی برای پیشرفت و اعتلای امر پژوهش در این حوزه فراهم شود.

پژوهش‌های مربوط به زبان‌شناسی شناختی که یکی از مکاتب نوین زبان‌شناسی به‌شمار می‌آید در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی از سوی شماری از محققان در ایالت متحده رونق گرفت و سپس در کمتر از یک دهه این پژوهش‌ها به بسیاری دیگر از نقاط جهان هم کشیده شد، (Geeraerts, 2006:22). حوزه زبان‌شناسی شناختی با این که عمر کمی از آن می‌گذرد به یکی از مهم‌ترین مکتب‌های زبان‌شناسی تبدیل گشته است و در عین حال، توانسته با بسیاری از شاخه‌های علمی متنوع از جمله عصب‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، هوش مصنوعی و علوم شناختی تعامل برقرار کند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶: ۶). در میان علوم شناختی، زبان‌شناسی شناختی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این علم در واقع رویکردی است که به بررسی ارتباط زبان، ذهن و تجربیات فیزیکی می‌پردازد و نظریات و یافته‌های آن می‌تواند برای علوم شناختی و سایر علوم مرتبط بسیار مفید و کارآمد باشد، (Taylor and Littlemore, 2015:10). بسیاری از دانشمندان علوم شناختی درصدد آن هستند که روشن کنند فعالیت‌های شناختی در ذهن انسان چگونه شکل می‌گیرند؛ به عبارتی، چگونه بازنمودها و پردازش‌های ذهنی منجر به فرایند یادگیری و انجام مهارت‌های مرتبط می‌شود؟ و اینکه بازنمودها و پردازش‌ها در کجای ذهن انسان شکل می‌گیرند؟ (Oberlandor, 2006:526).

زبان‌شناسی شناختی دارای رویکردهای متفاوتی است که یکی از این رویکردها معناشناسی شناختی (Cognitive semantics) است که به پژوهش‌هایی درباره ارتباط بین تجربه، نظام‌های مفهومی و ساختار معنایی که به وسیله زبان رمزگذاری شده است، می‌پردازد، (Evans Vyvyan, 2007:5). معناشناسی شناختی در واقع واکنشی بود به معنی‌شناسی صدق و کذب که در زبان‌شناسی صورت‌گرا مطرح است. صورت‌گرایان معنی

را رابطه میان واژه‌ها و جهان خارج در نظر گرفته و نظام شناختی را از نظام زبانی متمایز می‌داند، (Sweetser, 1990:4)؛ اما معناشناسان شناختی زبان را وسیله‌ای برای مطالعه نظام مفهومی تلقی می‌کنند. معناشناسی شناختی هم مانند زبان‌شناسی شناختی یک نظریه نیست بلکه رویکردی است که شامل نظریه‌های متفاوتی از جمله استعاره مفهومی (Conceptual metaphor)، فضاهای ذهنی (Mental space) و طرح‌واره‌های تصویری (Image schema) می‌شود، (Saeed, 2009:357-358).

یکی از نظریه‌های مهم و تأثیرگذار در معناشناسی شناختی نظریه فضاهای ذهنی است که به بررسی و ساخت معنا در متون مختلف می‌پردازد و زمینه مطالعاتی مؤثری در بررسی ساختارهای مفهومی متون گوناگون فراهم ساخته است (صفوی، ۱۳۹۷: ۳۶۳). بر طبق این نظریه، ساختن معنی، حاصل دو فرایند «ساختن فضاهای ذهنی» (The building of mental spaces) و «ایجاد نگاشت‌هایی بین آن فضاها» (The establishment of mappings between those mental spaces) است (Evans and Green, 2006:368). فضاهای ذهنی ساختارهایی جزئی هستند که هنگام صحبت کردن و اندیشیدن تکثیر می‌شوند و امکان تفکیک و تقسیم ساختارهای دانش و گفتمان‌های ما را به بخش‌های کوچک‌تر ایجاد می‌کنند (Fauconnier, 1997:11). نگاشت نیز در یک حوزه مفهومی عنصری را به عنصر متناظر آن در حوزه مفهومی دیگر متصل می‌کند. در نظریه فضاهای ذهنی نگاشت ایجاد شده بین دو فضا همیشه در بافت صورت می‌گیرد به همین دلیل در نظریه مذکور ساختن معنا همیشه مبتنی بر بافت است، یعنی ساختن معنی بافت-بنیاد است، از این رو معنی یک جمله را به تنهایی و خارج از بافت، بدون جملات قبل و بعد آن، نمی‌توان درک کرد و به روشنی تحلیل نمود. فضاهای ذهنی ساختاری زبانی ندارند؛ اما طی هر گفتمان به کمک عبارت‌هایی به نام فضا‌سازهای ذهنی (Mental space builder) فعال می‌شوند. فضا‌سازها عناصر زبانی‌اند که نقش آن‌ها یا ایجاد فضای جدید است یا تغییر کانون توجه بین فضاهای ذهنی که پیش‌تر در پاره‌گفتار تولید شده‌اند و به درک مفاهیم توسط افراد کمک می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۷: ۳۸۱-۳۷۹؛ Evans and Green, 2006:368-371).

در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود تا ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی از دیدگاه چگونگی کاربرد فضا‌سازها برای ایجاد فضاهای ذهنی مطرح شده از سوی فوکونیه بررسی شود و فضا‌سازهای ذهنی به کاررفته شناسایی و بر اساس نوع مقوله کلام

بررسی چگونگی مفهوم‌سازی، درک و انتقال ... (جلال تباشیر و دیگران) ۱۰۷

طبقه‌بندی شوند. در این راستا، همچنین به تبیین چگونگی مفهوم‌سازی، درک و انتقال معانی در ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی، توسط فضا‌سازهای ذهنی پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های اندکی به بحث فضا‌سازهای ذهنی در ادبیات کودک پرداخته‌اند و این موضوع کم‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از این جهت، مطالعات انجام‌شده را می‌توان به دو حوزه فضا‌های ذهنی و فضا‌سازهای ذهنی تقسیم نمود. در ادامه به چند نمونه از این آثار اشاره خواهد شد.

۱.۲ حوزه فضا‌های ذهنی

فوکونیه (۲۰۱۲) فضا‌های ذهنی را مجموعه‌ای بسیار جزئی می‌داند که بر اساس چگونگی فکرکردن و صحبت کردن با هدف درک و عمل در هر لحظه ساخته و برانگیخته می‌شوند. او همچنین اذعان دارد که فضا‌های ذهنی مجموعه‌ای از نورون‌های عصبی فعال‌شده هستند که متناظر با فعال شدن هم‌زمان اتصالات مفهومی در حافظه کاری (Working memory) عمل می‌کنند ولی تا حدی توسط فعال‌سازی سازه‌های موجود از حافظه بلندمدت ساخته می‌شوند.

لیو و گائو (Lio & Gao) (۲۰۱۰) مفهوم سوء‌تفاهم را بر پایه نظریه فضا‌های ذهنی مورد بررسی قرار دادند تا عملکرد شناختی آن را در واکنش‌های اجتماعی افراد نشان دهند. آن‌ها ثابت کردند که نظریه مذکور می‌تواند برای تبیین علت سوء‌تفاهم کارآمد باشد.

کیخا (۱۳۹۷) به توصیف فضا‌های ذهنی در ترجمه جزء ۲۹ قرآن کریم بر اساس دیدگاه فوکونیه (۱۹۹۷) پرداخته و با بررسی ۱۱ سوره، بر اساس طبقه‌بندی مؤلفه‌های پنج‌گانه فضا‌های ذهنی (فضاساز، عناصر، ویژگی، شبکه و روابط) به تحلیل آن‌ها پرداخته است. نتایج حاصل حاکی از آن است که در این جزء از قرآن، از همه مؤلفه‌ها استفاده شده است و بسامد این مؤلفه‌ها از بیش‌ترین به کم‌ترین به این صورت است: عناصر، فضاساز، رابط، شبکه و ویژگی. دلیل این امر ناشی از این است که اگر عناصر به

میزان نسبتاً زیادی استفاده نشود و فضاها این عناصر را معرفی نکنند و به هم پیوند ندهند متنی نامفهوم و غیرقابل درک تولید می‌شود، از این رو نویسنده از این دو مؤلفه (عناصر و فضاها) بیش‌ترین استفاده را برده است.

نجفی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «رویکردی نوین در روایت‌شناسی شناختی بر اساس فضاهای ذهنی روایی و الگوی ان‌ام‌اس‌بی» کاربست مفاهیم نظریه فضاهای ذهنی و روش دنسیگر (Dancygier) (۲۰۱۲) در تحلیل شناختی متون روایی را مورد بررسی قرار دادند و همچنین به تبیین چگونگی فرآیند معناسازی در یک متن داستانی زبان فارسی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که فضاهای ذهنی به نویسنده یا خواننده امکان تولید یا درک معنا و انسجام در گفتمان را می‌دهند. همچنین تنوع‌هایی در فضاهای ذهنی خلق‌شده در داستان‌ها وجود دارد که نشان می‌دهند هر متن روایی از آنچه در نگاه نخست به چشم می‌آید پویاتر و درهم‌تنیده‌تر است.

گلفام و عبدالکریمی (۱۳۸۹) به تبیین مفهوم فضاهای ذهنی، بررسی رابطه میان فضاهای ذهنی و مجاز و نقش نظریه فضاهای ذهنی در برطرف ساختن نابهنجاری‌های معنایی و ابهام‌زدایی ارجاعی پرداختند و همچنین فضاها را معرفی و عملکرد آن‌ها را بررسی کرده‌اند. آن‌ها گویشورانی انتخاب کردند که بر زبان‌های آلمانی، انگلیسی مسلط و آشنا به زبان فرانسه بودند. نتایج حاکی از این پژوهش نشان داد که وجوه مختلف فعل، عبارت‌های اشاره‌ای و محمول‌های متغیر نمونه‌هایی از فضاها هستند و وجود آن‌ها باز نمود فضاهای ذهنی در زبان تلقی می‌شود. علاوه بر این دریافتند که عناصر فضاها در زبان‌های مذکور کارکردی مشترک دارند و این باز نمود در زبان‌های طبیعی به شکل‌های مختلف، از یک طرف بازتاب عملکرد مشترک ذهن انسان در رمزگذاری زبانی است و از طرفی دیگر بازتاب توانایی‌های شناختی غیرزبانی بشر را در زبان نشان می‌دهد که این امر وجود جهانی‌های شناختی را در زبان‌های طبیعی نشان می‌دهد. همچنین دریافتند که بدون در نظر گرفتن نظریه فضاهای ذهنی امکان ارائه توضیح برای رفع نابهنجاری‌های معنایی وجود ندارد.

۲.۲ حوزه فضا‌سازهای ذهنی

تقفی (۱۳۹۴) به بررسی فرآیند فضا‌سازی ذهنی و چگونگی پردازش معنی با استفاده از فضا‌سازها در داستان کباب غاز اثر جمال‌زاده پرداخته است، وی با تشریح جملات داستان مذکور به تحلیل کیفی آن پرداخته و فضا‌سازهای موجود در آن را شناسایی و توضیح داده است.

مشایخی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود به بررسی فضا‌سازهای ذهنی در ادبیات کودکان زبان فارسی پرداخته است. وی کوشیده است تا به شناسایی فضا‌سازها و دسته‌بندی آن‌ها براساس بسامد در ادبیات کودکان پردازد و نقش عوامل بافتی و کاربردشناختی را در عملکرد فضا‌سازهای ذهنی مشخص نماید. او دو داستان مشهور از زبان فارسی «ببز قندی و چوپان دروغ‌گو» را انتخاب کرده و بعد از شناسایی و استخراج فضا‌سازهای ذهنی به تحلیل کمی و کیفی آن‌ها پرداخته است. نتایج به دست آمده از پژوهش وی نشان می‌دهد در هر دو داستان به طور گسترده فضا‌سازهایی مانند عبارات قیدی (زمان، مکان و حالت)، عبارات شرطی، حروف ربط، ازپیش‌انگاری و کمیت‌نماها استفاده شده است که از این بین گروه‌های قیدی (مکان و زمان) دارای بیشترین بسامد بوده است و همچنین عوامل بافتی شامل بافت زبانی، موقعیتی، کاربردشناختی و نیز عوامل فرهنگی و تجربی نقش بسزایی در انتقال و درک مفاهیم نهفته در داستان‌ها داشته‌اند.

پژوهش‌های متعددی در بخش‌های مختلف زبان کردی صورت گرفته است، اما تاکنون هیچ پژوهشی در ارتباط با ادبیات کودکان از دیدگاه فضا‌های ذهنی صورت نگرفته و به مسئله دنیای شناختی کودکان پرداخته نشده است. در صورتی که کودکان بخشی از جامعه را تشکیل داده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را از امکانات اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و غیره محروم کرد و نادیده گرفت، از این رو باید به دنیای کودکان توجه شود و آثاری مرتبط با دنیای شناختی آن‌ها خلق نمود.

همان‌طور که در بخش مقدمه نیز ذکر شد، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی از دیدگاه چگونگی کاربرد فضا‌سازها برای ایجاد فضا‌های ذهنی مطرح شده از سوی فوکونیه بررسی شود و فضا‌سازهای ذهنی به کاررفته شناسایی و براساس نوع مقوله کلام طبقه‌بندی شوند. در این راستا، همچنین به تبیین چگونگی مفهوم‌سازی، درک و انتقال معانی در ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی، توسط

فضاسازهای ذهنی پرداخته خواهد شد. به این امید که به پاسخ روشنی برای مسئله پژوهش دست یافته و مشخص شود که فضاسازهای ذهنی در ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی چگونه مفهوم‌سازی شده و به درک و انتقال معانی کمک می‌کنند.

هدف پژوهش حاضر، در قالب دو سؤال بدین شکل مطرح می‌شود:

۱. عملکرد فضاسازهای ذهنی در متون داستانی کودکان در زبان کردی چگونه است؟
۲. در متون داستانی کودکان در زبان کردی فضاسازهای ذهنی در درک و انتقال معنی چه نقشی دارند؟

۳. چهارچوب نظری

فضاسازهای ذهنی (Mental space builder) در چهارچوب نظریه فضاهای ذهنی در رویکرد معنی‌شناسی شناختی مطرح می‌شوند. نظریه فضاهای ذهنی از رویکردهای بنیادین در معنی‌شناسی شناختی است که توسط فوکونیه (۱۹۸۵) در واکنش به جهان‌های ممکن در معناشناسی منطقی معرفی شد. هدف فوکونیه از مطرح نمودن این نظریه، پاسخ به این سؤال بود که چگونه انسان‌ها از طریق اسامی، ضمائر و وصف‌های معرف به جهان خارج ارجاع می‌دهند. فوکونیه معتقد است که معنی در خود زبان نیست بلکه زبان شبیه دستورالعملی برای ساخت و شکل‌بندی به معنی است، طبق این نظریه، معنی مبتنی بر بافت است، یعنی میان کاربردشناسی و معنی‌شناسی نمی‌توان تمایز قائل شد، به بیانی دیگر معنی جملات و واژه‌ها بدون بافت غیرقابل درک خواهند بود. (Saeed, 2009:377; صفوی، ۱۳۹۷: ۳۷۹).

بر اساس نظریه فضاهای ذهنی، وقتی که ما عمل گفتگو، اندیشیدن، آواز خواندن و یا خواندن متون شعر و نثر را انجام می‌دهیم به‌طور مداوم اطلاعات موجود را در قالب‌های معنایی به نام فضاهای ذهنی طبقه‌بندی می‌کنیم. فضاهای ذهنی از طریق فضاسازها ایجاد می‌شوند. فضاسازها عبارت‌های زبانی هستند که یا فضاهای ذهنی جدید را به‌وجود می‌آورند یا گوینده را به‌طور متناوب به فضاهای قبلی می‌برند و باعث می‌شوند که شنونده آماده ساختن فضایی فراتر از زمان و مکان کنونی شود. به بیانی دیگر، همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد فضاسازها مشخص‌کننده ایجاد ارتباط بین عناصر و همچنین برانگیزاننده همان عناصر در فضای ذهنی هستند. به‌عنوان مثال، در جمله «دیشب در پارک آزادی مردم

جشن گرفته بودند» گوینده با بیان این جمله یک فضای ذهنی به وجود آورده است که از دو فضا‌ساز و دو عنصر و یک رابط ساخته شده است. گوینده با استفاده از دو فضا‌ساز «دیشب» و «در پارک آزادی» باعث می‌شود که در ذهن شنونده فضایی فراتر از آن مکان و زمانی که اکنون در آن قرار گرفته، شکل بگیرد. عنصر موجود در جمله مذکور واژه «مردم» است که گوینده در قالب عبارت «جشن گرفتن» نقش عنصر موجود در جمله را بیان می‌کند. (راسخ‌مهند، ۱۳۹۶: ۱۲۴؛ Evans and Green, 2006: 371).

همان‌طور که قبلاً اشاره شد بعضی از ساخت‌های گروهی به نام فضا‌سازها، فضا‌های ذهنی را می‌سازند. فضا‌سازها ابزارها و عبارات زبانی هستند که نقش اساسی در شکل‌گیری فضا‌های ذهنی دارند. صفوی (۱۳۹۷: ۳۸۱) ادعان دارد که فضا‌سازهای ذهنی عبارت‌هایی هستند که حرکت از یک فضای ذهنی به فضای ذهنی دیگر را نشان می‌دهند. وی گروه‌های قیدی مکانی و زمانی مانند «در این بازی» و «در سال ۲۰۲۰» و برخی از افعال مانند «تصور کردن»، «معتقد بودن»، «فکر کردن» را به‌عنوان فضا‌ساز معرفی می‌کند. راسخ‌مهند (۱۳۹۶: ۱۲۴) فضا‌سازها را واحدهایی زبانی می‌داند که باعث ایجاد فضا‌های ذهنی جدید می‌شوند و کانون توجه شنونده را از موقعیت کنونی به موقعیتی فراتر می‌برد. وی گروه‌های حرف‌اضافه‌ای، گروه‌های قیدی و ساخت‌های شرطی و متممی را به‌عنوان فضا‌ساز معرفی می‌کند.

سعید (۲۰۰۹: ۳۸۰) نیز به معرفی فضا‌سازهای ذهنی پرداخته است که عبارت‌اند از: گروه‌های قیدی «در این کشور، در زمان»، قیدهایی مانند «احتمالاً، واقعاً و شاید»، ارتباط‌دهنده‌هایی مانند «اگر ... پس» و افعال خاصی مانند «باور داشتن، امیدوار بودن و تصور کردن». ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۳۷۱) به مطالعه نظریه فضا‌های ذهنی و فضا‌سازها پرداخته‌اند و معتقدند که فضا‌سازها، ویژگی‌های مربوط به عناصر و نگاشت بین فضا‌های ذهنی را مشخص می‌کنند. آن‌ها گروه‌های حرف‌اضافه‌ای مانند «در خانه، در شب»، قیدهایی مانند «احتمالاً، واقعاً»، ارتباط‌دهنده‌هایی مانند «اگر»، «یا»، «پس» و خوشه‌های فعل و فاعلی مانند «جان فکر می‌کند ...» را فضا‌ساز می‌دانند که برای شنونده صحنه‌هایی از زمان، مکان و موقعیت‌های دیگری ایجاد می‌کند.

فوکونیه فضا‌سازها را عبارت‌هایی زبانی می‌داند که گذر از یک فضای ذهنی به فضای ذهنی دیگر را نشان می‌دهند. وجود این واحدها فضا‌های جدیدی را می‌سازند که

کانون توجه در بین فضاهای دیگر را تغییر می‌دهد. او گروه‌های قیدی، ربط دهنده‌ها، عبارات قیدی مانند «در حقیقت، در واقع، واقعاً و ...» و فعل‌های خاصی مانند «امیدوار بودن، فکر کردن، معتقد بودن و آرزو داشتن» همچنین تکواژ منفی‌ساز را نوعی از فضاها به‌شمار می‌آورد (Fauconnier, 1994:17; Fauconnier, 2005:40). فوکونیه (۱۹۹۴: ۱۱۲-۱۱۱) افعال وجهی مانند «احتمال داشتن، توانستن»، عبارات قیدی و عبارات شرطی مانند «اگر» را به‌عنوان فضاها معرفی می‌کند.

کرافت و کروز (Croft and Cruse) (۲۰۰۴: ۳۳-۳۴) در مطالعات خود بر روی فضاها، گروه حرف‌اضافه‌ای، عناصر منفی‌ساز، کمیت‌نماها را نیز به‌عنوان فضاها معرفی می‌کنند.

بوزارد (L. A. Buszard) (۲۰۰۳: ۳۶) اذعان می‌دارد که عبارات دستوری مانند بندهای قیدی یا شرطی و همچنین جنبه‌هایی از دستور مانند زمان و حالت نشانه‌هایی را به‌وجود می‌آورند که به‌گوینده و شنونده اجازه می‌دهند تا ساختار فضای ذهنی را ایجاد و هدایت کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت که دستور زبان و واژگان یک زبان برای ایجاد فضاهای ذهنی و ارتباط بین این فضاها مورد استفاده قرار می‌گیرند. مثلاً «در سال ۲۰۱۰ جان به دانشگاه رفت»، عبارت «در سال ۲۰۱۰» در ذهن شنونده فضایی از سال ۲۰۱۰ می‌سازد و شنونده را از زمان کنونی به آن فضای ایجادشده هدایت می‌کند. بوزارد (۲۰۰۳) بیان می‌کند که فضاهای ذهنی به‌صورت شبکه‌های سلسله‌مراتبی ساخته می‌شوند که در آن یک فضا به‌عنوان پایه عمل می‌کند و بر اساس آن فضاهای جدیدتر شکل می‌گیرند، این فضای پایه همان فضای واقعیت است. از فضاهایی که بر اساس فضای پایه ساخته می‌شوند می‌توان به فضای گذشته، فضای توصیف‌گر یک داستان یا یک تصویر، فضای آینده و فضای شرطی اشاره کرد. از نظر بوزارد (۲۰۰۳) فضاها عبارت‌هایی هستند که باعث به‌وجود آمدن فضاهای ذهنی می‌شوند و کانون توجه را از فضایی به فضای دیگر منتقل می‌کنند.

لی (Lee) (۲۰۰۱: ۱۶۵) گروه‌های قیدی، گروه‌های حرف‌اضافه‌ای، خوشه‌های فعل و فاعلی، عبارات شرطی و عباراتی مانند «همچنان، به ترتیب، هرچقدر و ...» را به‌عنوان فضاها معرفی می‌کند.

براساس توضیحات بالا و همچنین تجمیع آرای کسانی که به معرفی و تبیین فضاها پرداخته‌اند، انواع مختلف فضاها همراه با قید مثال در جدول (۱) به صورت

بررسی چگونگی مفهوم‌سازی، درک و انتقال ... (جلال تباشیر و دیگران) ۱۱۳

خلاصه ارائه شده‌اند. از این فهرست به عنوان مبنا برای شناسایی و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش استفاده شده است.

جدول ۱. فهرست فضاها

ردیف	نام فضاها	نمونه	مثال
۱	گروه حرف‌اضافه‌ای	در سال ۲۰۲۰	در سال ۲۰۰۰ امیلی ۱ سال داشت
۲	حروف ربط	اما، و	به دیدن دوستم رفته بودم اما او را ندیدم
۳	عناصر منفی‌ساز	«نسا» در نخورد	او سر میز نشست و غذا نخورد.
۴	عبارات شرطی	اگر، مگر اینکه، به شرطی	اگر من جای شما بودم از من متنفر بودم
۵	عبارات کمیت‌نما	همه، اغلب، برخی	استاد تمام دانشجویان را از کلاس بیرون کرد
۶	زمان و وجه فعل	نمود زمان و وجه	جان به لندن خواهد رفت
۷	افعال وجهی	احتمال داشتن، توانستن	احتمال دارد جان به لندن برود
۸	افعال کنش ذهنی	فکر کردن، تصمیم گرفتن	جان فکر می‌کند که جورج در لندن است
۹	گزاره‌های تغییر	همچنان، رفته‌رفته	آپارتمان جان همچنان بزرگ‌تر می‌شود
۱۰	عبارات و اصطلاحات ادبی	یکی بود یکی نبود	یکی بود یکی نبود، پیرمردی در غاری زندگی می‌کرد

۴. روش پژوهش

روش به‌کاررفته در پژوهش حاضر از نوع توصیفی مبتنی بر تحلیل کیفی است که با تکیه بر استخراج داده‌ها از متون نوشتاری ۲۰ جلد کتاب داستان در حوزه ادبیات کودک گروه سنی ب (۱۰ جلد از نویسنده مرد و ۱۰ جلد از نویسنده زن) انجام گرفته است. در مرحله نخست تمام متون کتاب‌ها در نرم‌افزار ورد تایپ شدند و سپس پیکره زبانی به‌دست‌آمده توسط پژوهشگران در قالب نرم‌افزار اکسل به‌صورت جملات مجزا جهت تحلیل و بررسی آن‌ها پیاده‌سازی شد؛ این پیکره حاوی ۱۱۸۳ جمله و ۱۲۰۶۸ واژه است. تحلیل اولیه داده‌ها که بر اساس جدول (۱) انجام شد نشان داد که نویسندگان در ۱۰۰۲ عدد از کل جملات از فضاها استفاده کرده‌اند در مرحله بعد، برای انتخاب تصادفی جملات هدفی که می‌بایست مبنای تحلیل کیفی این پژوهش قرار گیرند، از

نرم افزار Randomizer استفاده شد، به این صورت که ابتدا تعداد ۲۰۰ جمله به صورت تصادفی توسط نرم افزار انتخاب شده و سپس با بررسی دقیق این جملات تعداد ۱۲ جمله برگرفته از آثار نویسندگان مرد و ۱۲ جمله نیز از نویسندگان زن (در مجموع ۲۴ جمله) که به تشخیص نگارندگان، مجموعه‌ای قابل قبول از انواع مختلف فضاها را شامل می شدند به عنوان مبنای تحلیل کیفی در این پژوهش در نظر گرفته شده و جهت تبیین چگونگی مفهوم سازی و درک مفاهیم توسط فضاها مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفتند.

۵. یافته‌ها

در بخش پیش رو، به تحلیل کیفی داده‌های استخراج شده پرداخته می شود، برای هر کدام از انواع فضاها یک الی دو مثال ذکر شده و توضیح داده می شود که این نوع فضاها در ادبیات کودکان چگونه عمل کرده و فضاهای جدیدی را ایجاد می نمایند.

۱.۵ فضاها و گروه حرف اضافه‌ای

این نوع فضاها بیشتر گروه‌های حرف اضافه‌ای هستند که نقش قید را بر عهده دارند و در ادبیات کودکان از کاربرد بالایی برخوردارند. این فضاها شامل قید مکان و زمان هستند که در ادامه به تشریح هر یک پرداخته می شود.

۱.۱.۵ قید مکان

یکی از فضاها قید مکان است که با ایجاد یک فضای ذهنی در ذهن مخاطب، به وی کمک می کند تا به راحتی پی ببرد که چیزی یا ماجرای که در حال شنیدن آن است در کجا و چه مکانی اتفاق افتاده است. این نوع فضاها، موقعیت مکانی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد می نماید. فضاها قید مکان، در زبان کردی عبارتی مانند «له شاری مەریوان» (læ fari mæriwan) (در شهر مریوان) را شامل می شوند. جمله (۱) از داستان یک مرد ثروتمند انتخاب شده است که گله بزرگی گوسفند و بز دارد. هر سال، در فصل بهار به ییلاق می رود و در فصل پاییز به روستای خود بازمی گردد.

(۱): «له دیهاتیکی جوانی ئەم ولاته، پیاویکی ده‌وله‌مه‌ند، بز و مه‌ریکی زۆری هه‌بوو.»

Læ dehat-ek-i dʒwan-i ʔæm wəlat-æ pəyaw-ek-i dæwlæmænd

ثروتمند هسته‌نما-نکره-مردی معرفه-سرزمین این هسته‌نما-زیبا هسته‌نما-نکره-روستا در

bəzn u mæf-ek-i zor-i hæ-bu.

داشت-پسوند ۳ش-م-زیاد ی-نکره-گوسفند و بز

ترجمه: در یکی از روستاهای زیبای این سرزمین، مردی ثروتمند تعداد زیادی بز و گوسفند داشت.

در جمله (۱) عبارت «له دیهاتیکی» (læ dehat-eki) (در داخل روستایی) یک فضا‌ساز است زیرا در ذهن مخاطب فضایی را ایجاد می‌کند که بازگوکننده یک فضای روستایی بوده و از فضای شهری متمایز است؛ به بیانی دیگر، مخاطب یا شنونده با دیدن یا شنیدن این عبارت، فضایی از یک محیط روستایی را در ذهن خود تجسم می‌کند که در آن خانه‌ها بنایی ساده دارند و مردم به کارهایی مثل کشاورزی، باغداری و دامداری مشغول هستند. این فضا‌ساز باعث می‌شود که ذهن مخاطب از فضا یا مکان کنونی به فضا یا مکانی فراتر از فضای کنونی که در اینجا فضای روستا است، برود. در مثال (۱)، عبارت‌هایی مانند «ئەم ولاته» (ʔæm wəlatæ) (این سرزمین)، «پیاویک» (pəyaw) (مردی)، «بز» (bəzn) (بز)، «مه‌ر» (mæf) (گوسفند) عناصر موجود در جمله هستند. عنصر «ئەم ولاته» دارای تفسیر معرفه است، یعنی در طول گفتمان با حالتی پیش‌فرض عمل می‌کند و برای مخاطب آشناست، اما عناصر «پیاویک»، «بز»، «مه‌ر» دارای تعبیر نکره هستند و اطلاعات جدیدی را به جمله یا داستان اضافه می‌کنند. واژه «ده‌وله‌مه‌ند» (dæwlæmænd) (ثروتمند) ویژگی عنصر «پیاو» و واژه «زۆر» (zor) (زیاد) ویژگی عناصر «بز و مه‌ر» را بیان می‌کند.

جمله (۲) از داستانی انتخاب شده است که در آن تعدادی از حیوانات با هم در یک جنگل زندگی می‌کنند و در خوشی و ناخوشی‌های روزگار کنار همدیگر هستند.

(۲): «له دارستانیکی پر له داری به‌روو کومه‌لی گیان‌له‌به‌ر پیکه‌وه ئەژیان.»

Læ darəstan-ek-i pəf læ dar-i bæfə komæf-e gəyan-læ-bær² Pe-kæwæ ʔæ-zya-n.

۳ش-ج-زندگی-اخباری همدیگر-با تن-برجان نکره-جمع بلوط ی-درخت از پر ی-نکره-جنگل در

ترجمه: در جنگلی پوشیده از درخت بلوط تعدادی از حیوانات با همدیگر زندگی می‌کردند.

در جمله (۲) عبارت «له دارستانیک» (læ darəstanek) (در یک جنگل) یک فضا ساز است. مخاطب با دیدن یا شنیدن این عبارت یک فضای ذهنی متفاوت را از مکانی که پر از درخت و حیوانات مختلف است و با فضای واقعی تفاوت دارد تجسم می کند. عبارت «کومه لئی گیان له بهر» (gəyanləbær komæle) (تعدادی جانور) از عناصر موجود در متن این مکالمه است که به جمعی از حیوانات جنگل اشاره دارد و واژه «ئه ژیان» (æjyan) (زندگی می کردند) رابطه بین آنها را نشان می دهد.

۲.۱.۵ قید زمان

قید زمان نیز در قالب گروه حرف اضافه ای می تواند به عنوان فضا ساز عمل کرده و باعث شود که ذهن مخاطب به زمانی فراتر از زمان کنونی برود. به بیانی دیگر، با استفاده از این نوع فضا ساز ذهن مخاطب یا شنونده از فضای زمانی مبتنی بر واقعیت به فضای زمانی دیگری می رود. فضا سازهای قید زمان در زبان کردی عباراتی مانند «له سالی ۲۷۱۰، له وه رزی به هاردا» (læ wərz-i bæhar-da, læ sał-i 2710) (در سال ۲۷۱۰، در فصل بهار) هستند.

(۳): «له روژیکی هاویندا ساژن له ناو دارستانه که دا پیاسه ی ده کرد.»

Læ řoz-ek-i hawin-da řa-żən læ naw darəstan-ækæ-da Piyasæ-y də-kırd.

کرد-اخباری ۳م-قدم زدن پسوند-معرفه-جنگل داخل در زن-شاه پسوند-تابستان هسته-نما-نکره-روز در ترجمه: در یکی از روزهای تابستان ملکه در جنگل قدم می زد.

در جمله (۳) عبارت «له روژیکی هاویندا» (læ řozeki hawinda) (در یک روز تابستانی) یک فضا ساز است که ذهن مخاطب را از زمان حال جدا کرده و به زمانی فراتر از زمان کنونی می برد، به بیانی دیگر، با دیدن یا شنیدن این عبارت تصویری از یک روز تابستانی با هوای گرم و سوزان در ذهن مخاطب ایجاد می شود. عبارت «ساژن» (řa-żən) (ملکه) یکی از عناصر موجود در گفتمان است و عبارت «پیاسه ی ده کرد» (piyasæy dəkərd) (قدم می زد) نیز به عنوان قالب درون گفتمان عناصر موجود در آن را به هم مربوط می سازد.

(۴): «ئه و له به هاراندا ده چوو بو هه وار»

ʔæw Læ bæhar-an-da də-řu-Ø bo hæwar.

ییلاق به ۳ش- رفتن- اخباری پسوند- جمع (ها)- بهار در او

ترجمه: او هر سال در فصل بهار به ییلاق می‌رفت.

در جملهٔ (۴) عبارت «له به‌هاراندا» (læ bæharanda) (هرسال در فصل بهار) فضا سازی است که ذهن خواننده یا مخاطب را از زمان حال جدا کرده و به زمان مورد نظر گوینده می‌برد. عبارت‌هایی مانند «ئه‌و، هه‌وار» (?æw, hæwar) (او، ییلاق) عناصر موجود در گفتمان هستند و عبارت فعلی «ده‌چوو» (dætfu) (می‌رفت) نیز عناصر موجود در گفتمان را در قالب (رفتن) به هم مربوط می‌سازد.

۲.۵ حروف ربط

حروف ربط نیز از جملهٔ فضا سازها به شما می‌روند که فضای جدید ایجاد شده در ذهن مخاطب را به فضاهای ذهنی که قبلاً ایجاد شده است، مرتبط می‌سازند. حروف ربط در زبان کردی شامل عبارت‌هایی مانند «و، با، به‌لام (bælam)، تا ...» (و، همراه، ولی، تا ...) هستند که عبارت‌ها، واژه‌ها و جمله‌ها را به همدیگر ربط می‌دهند. جملهٔ (۵) از زبان یک موش است که برای درمان زخم خرگوش پماد حنا و فلفل را تجویز کرده است، اما حال خرگوش نه تنها خوب نشده بلکه بدتر شده است.

(۵): «زۆر سه‌یره ئه‌وه‌تا له نێو کتێبه‌که‌شدا نووسراوه ده‌بی خه‌نه و بیباری لێده‌ن به‌لام دوو هێلی راست و چه‌پی

سوور به سه‌ریدا کێشراوه.»

Zor sæyr-æ ?æwæta læ new kəteb-ækæ =f-da nus -raw -æ

است-شده-نوشتن پسوند-واژه‌بست هم= معرفه-کتاب داخل در اینجاست است-عجیب خیلی

dæbe xænæ u bibar =i le -dæ -n bælam du hef -i

هسته‌نما-خط دو اما ۲ش-ج-زدن-پیشوند واژه‌بست ۳ش= فلفل او ربط حنا باید

řast u fřæp -i sur bæ sær =i -da kef -ra -w -æ.

است-میانجی-شده-کشیده پسوند-واژه‌بست ۳ش= روی بر قرمز هسته‌نما-چپ و راست

ترجمه: خیلی عجیب است ببینید در کتاب هم اشاره شده که باید حنا و فلفل را به زخم بمالید اما دو خط قرمز

به صورت ضربدر بر روی آن کشیده شده است.

مثال (۵) از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول آن، یعنی «زور سهیره تهوه تا له نیو کتیبه که شدا نووسراوه دهبی خه نه و بیباری لیدهن» (zor sæyræ ʔæwæta læ new) (خیلی عجیب است ببینید در کتاب هم اشاره شده که باید حنا و فلفل را به زخم بمالید) به وسیله حرف ربط «به لام» به معنی (اما) به بخش دوم جمله، یعنی «دوو هیللی راست و چه پی سوور به سه ریدا کیشراوه» (du heli řast u řæpi bæ særida kæřrawæ) (دو خط قرمز به صورت ضربدر بر روی آن کشیده شده است) متصل شده است. با شنیدن بخش اول، فضایی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد که در آن حنا و فلفل برای درمان زخم مفید است، اما پس از شنیدن حرف ربط «به لام» ذهن مخاطب آماده ورود به فضای جدید و متمایز از فضای ذهنی قبلی می‌شود که در آن ادعای جمله اول درست نیست.

(۶): «پشیله په لاماری مشکوله بیکی دا و خستیه نیو ده می، به لام خو ددانی نه بوو مشکی پی بخوات.»

pəʃi-læ pələmar-i məʃk-olæ-y-ek=i da

داد واژه بست ۳م-نکره-واج میانجی- نشانه صغیر- موش پسوند-یورش نشانه تصغیر-گره

u xəs -t -y -æ naw dæm =I bælam xo

که اما واژه بست ۳م=دهان داخل هسته نما- ۳م- گذشته-گذار و

dədan=i n -bu məʃk=i pe bæ -xwa -t.

گذشته-خور-التزامی با واژه بست ۳م(دندان)=موش داشت-نفی واژه بست ۳م(موش)=دندان

ترجمه: آقا گربه به موش کوچولو حمله کرد و او را داخل دهانش گذاشت اما چون دندان نداشت نتوانست موش

کوچولو را بخورد.

جمله (۶) از سه بخش تشکیل شده است که به وسیله حروف ربط به هم متصل شده‌اند. در بخش اول جمله، یعنی «پشیله په لاماری مشکوله بیکی دا» (pəʃilæ pələmari məʃkolæyeki da) (گربه به موش حمله کرد) تصویری در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد که در آن گربه به موش حمله می‌کند؛ سپس با شنیدن حروف ربط «و» که یک فضا ساز است، مخاطب درمی‌یابد که ماجرا هنوز ادامه دارد و فضای ذهنی جدیدی که در آن گربه موش را می‌خورد در ذهن وی ایجاد می‌شود. در مرحله بعد، با شنیدن حرف ربط «به لام»، مخاطب به یک فضای ذهنی جدید و متمایز از فضای قبلی هدایت می‌شود که در آن موش هنوز زنده است. در این مثال، حروف ربط «و» و «به لام»

به‌عنوان فضا‌ساز عمل کرده و فضا‌های ذهنی ایجادشده جدید را به فضا‌های ذهنی قدیمی مرتبط می‌سازند.

۳.۵ عبارات نفی

زمانی که یک فضای ذهنی در حال شکل گرفتن در ذهن مخاطب است، حضور عناصر منفی‌ساز می‌توانند فضایی متضاد با آن را ایجاد کرده و فضای قبلی را در ذهن مخاطب برهم زنند. از رایج‌ترین تکواژهای منفی‌ساز در زبان کردی، می‌توان به «نا، نه» (næ na) در عباراتی مانند «ناتوانم، نه‌یکرد» (Næ-y-kærd, Na-twan-əm) (نمی‌توانم، نکرد) اشاره کرد.

جمله (۷) از داستانی انتخاب شده که حکایت از زندگی دو کرم دارد. یکی از آن‌ها کرم ابریشم و دیگری گرم خاکی است. کرم خاکی از زمانی که فهمیده کرم ابریشم به پروانه‌ای زیبا تبدیل می‌شود هرروز و هر شب از خدا می‌خواهد که او را نیز به پروانه تبدیل کند. جمله (۷) حال و هوای این کرم خاکی را در یکی از آن شب‌ها بیان می‌کند.

(۷): «شهو له ژووړه که پیدا خه‌وی پیا نه‌ده‌که‌وت.»

fæw læ zur-ækæ =y -da xæw -i piya næ-kæw -t.

گذشته-برد-نفی حرف اضافه ۳م-خواب پس‌اضافه-واژه‌بست ۳م= معرفه-اتاق در شب

ترجمه: شب در داخل اتاق خوابش نمی‌برد.

هنگام خواندن جمله (۷) ابتدا در ذهن مخاطب یک فضای ذهنی شکل می‌گیرد که در آن کرم در اتاقش خوابیده است، اما تکواژ منفی‌ساز این فضای ذهنی را به هم ریخته و فضای جدیدی را جایگزین آن می‌کند.

(۸): «گورگه که چوو بو دووکان و پوولیشی بی نه‌بوو.»

Gurg-ækæ fū bo dukan u puł-i =f=i pe næ -bu.

داشت-نفی همراه ۳م-واژه‌بست(هم)حواج میانجی-پول و مغازه به رفت معرفه-گورگ

ترجمه: آقا گورگه به مغازه رفت و پول هم نداشت.

با توجه به بافت داستان و دانش پیش‌زمینه و تجاربی که مخاطب دارد، بخش اول مثال (۸) باعث ایجاد فضایی در ذهن مخاطب می‌شود که در آن قرار است عمل خرید کردن

در یک مغازه انجام گیرد زیرا کسی که به مغازه یا فروشگاه می‌رود باید پول همراه داشته باشد تا بتواند چیزی بخرد، اما با حضور تکواژ منفی‌ساز کل فضای ذهنی ایجاد شده به هم می‌ریزد و در فضای جدید برخلاف انتظار، عمل خرید کردن انجام نمی‌گیرد.

۴.۵ عبارات شرطی

عبارت‌های شرطی مانند «ته‌گهر، بهو مهرجه‌ی، مه‌گهر ته‌وه‌ی که» (bæw, ?æggær) (mæggær æwæy kæ mærdzæy) (اگر، به شرطی که، مگر اینکه) در زبان کردی، فضاسازهایی هستند که در هر قسمت از مکالمه یا گفت‌وگو که ظاهر شوند، فضای ذهنی جدیدی را از نوع شرطی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند. مثال زیر مربوط داستان یک مرغ با جوجه‌هایش است که در صحرا تنها مانده‌اند و روباهی می‌خواهد آن‌ها را بخورد.

(۹): «ته‌گهر فریامان نه‌که‌وی، مام رِنوی هه‌موومان ده‌خوات.»

?æggær ferya =man næ -kæw-i mam řewi hæmu =man dæ -xwa-t.

گذشته-خور-اخباری واژه‌بست اشج=همه روباه عمو آشم-رسید-منفی‌ساز واژه‌بست اشج=داد اگر

ترجمه: اگر به دادمان نرسید روباه همه ما را می‌خورد.

جمله (۹) از دو بخش تشکیل شده است که در بخش اول آن یعنی «ته‌گهر فریامان نه‌که‌وی» (æggær feryaman nækæwi) (اگر به دادمان نرسید) یک فضاساز شرطی «اگر» وجود دارد. زمانی که چنین جملاتی تولید می‌شود برای هر بخش گفت‌وگو، می‌تواند دو فضای ذهنی را در نظر گرفت. به‌عنوان مثال، برای بخش اول می‌تواند دو فضای ذهنی متصور شد که در یکی شکارچی به داد مرغ و جوجه‌هایش می‌رسد و در فضای ذهنی دیگر این اتفاق نمی‌افتد. برای بخش دوم جمله نیز ممکن است بر پایه بخش اول دو فضای ذهنی شکل بگیرد که در یک فضا مرغ و جوجه‌هایش به وسیله روباه خورده شوند و در فضای ذهنی دیگر این اتفاق نمی‌افتد. پس فضاساز شرطی به مخاطب کمک کرده و او را به فضای ذهنی جدیدی سوق می‌دهد که در آن فضا احتمال روی دادن یا ندادن رخداد موردنظر وجود دارد.

جمله (۱۰) از داستانی است که در آن تعدادی از جانوران در حال بازی کردن در جنگل یک رنگین‌کمان را می‌بینند و از این پدیده تعجب می‌کنند. یکی از این حیوانات اسب است که رو به دوستانش می‌کند و می‌گوید: من چندین بار گفتم زیبایی سرزمین من بی‌مانند است اگر شما کمک کنید اولین نقاشی آسمان را خواهیم کشید.

(۱۰): «ته‌گر یارمه تیم بدهنی، یه‌که‌مین نه‌قاشی ئاسمان ده‌خولقینین.»

ægær yarmæti=m bə-dæ-ne yækæmin næqafi asman də-xulqen -in.

اش‌ج‌خلق کردن-اخباری آسمان نقاشی اولین اش‌ج‌دهید-التزامی واژه‌بست اش‌م=کمک اگر

ترجمه: اگر کمک کنید، اولین نقاشی آسمان را خلق می‌کنیم.

جمله (۱۰) نیز از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول به‌عنوان فضای پایه عمل می‌کند، فضا‌ساز (اگر)، باعث ایجاد یک فضای شرطی در ذهن خواننده شده و به او کمک می‌کند که بخش دوم جمله را بهتر درک کند. در این جمله هم می‌توان برای هر بخش از آن دو فضای ذهنی ممکن در نظر گرفت. به بیانی دیگر، برای بخش اول، در فضای ذهنی اول ممکن است کسی به‌گوینده کمک کند و در فضای ذهنی دوم ممکن است این عمل اتفاق نیافتد؛ همچنین برای بخش دوم جمله بر اساس بخش اول دو فضای ذهنی شکل می‌گیرد که در فضای ذهنی اول نقاشی آسمان خلق می‌شود و در فضای ذهنی دوم این اتفاق نمی‌افتد، بنابراین در اینجا فضا‌ساز (اگر) یک فضای ذهنی را در مخاطب ایجاد می‌کند که در آن احتمال وقوع فعل بستگی به فضای ذهنی پایه داشته و هم وقوع و هم عدم وقوع آن محتمل است.

۵.۵ عبارات کمیت‌نما

همان‌طور که در فصل دوم در بخش فضا‌سازها اشاره شد کمیت‌نماها عناصری هستند که مقدار اسم بعد از خود را تعیین می‌کنند یا به عبارتی کمیت اسم بعد از خود را نشان می‌دهند. واژه‌های «هر»، «تمام»، «اندک»، «همه»، «اغلب» می‌توانند به‌عنوان فضا‌ساز عمل کرده و باعث شوند فضای ذهنی جدیدی در ذهن مخاطب شکل گیرد.

(۱۱): «دوای دوزینه‌وهی گولی بیژان، هه‌ندیکی لی کرده‌وه.»

dəway dozin-əwæ-y guł-i bezan hændeki le kərd-əwæ.

پس اضافه-کندن از تعدادی (نام گل) هسته-نما-گل هسته-نما-پس اضافه-پیدا کردن (بعد از)

ترجمه: بعد از پیدا کردن گل بیژان^۲، برخی از آنها را چید.

در جمله (۱۱)، عبارت قیدی «دوای دوزینه‌وهی گولی بیژان» (dəway dozinəwæy gułi bezan) (بعد از پیدا کردن گل بیژان) یک فضا‌ساز زمان است و مخاطب با شنیدن آن به فضای ذهنی جدیدی هدایت می‌شود که جدا از فضای کنونی است. عبارت «هه‌ندیک» (hændek) (بعضی) نیز به‌عنوان یک کمیت‌نما مخاطب را به یک فضای ذهنی جدید هدایت می‌کند که در آن گل‌های زیادی در کوهستان روئیده است، اما بچه مرغابی فقط بخشی از آنها را چیده و با خود آورده است.

(۱۲): «هه‌موو نازله‌کان کو بیوونه‌وه.»

Hæmu ʔazæt -æk -an ko bə-bu-n-əwæ

پس اضافه-۳ش ج-بود-التزامی جمع نشانه جمع-معرفه-حیوان همه

ترجمه: تمام حیوانات جمع شده بودند.

در جمله (۱۲) نیز واژه «هه‌موو» (hæmu) (همه) یک فضا‌ساز است، زیرا مخاطب را به یک فضای ذهنی سوق می‌دهد که در آن تعدادی نامشخص حیوان وجود دارد و همه آنها در یک مکان دور همدیگر گرد آمده‌اند به طوری که در آن فضای ذهنی دیگر حیوانی وجود ندارد که در آن جمع غایب باشد.

۶.۵ زمان فعل

زمان فعل به‌عنوان فضا‌ساز در گفتمان نشانه‌هایی را به وجود می‌آورد که به گوینده و شنونده اجازه می‌دهد تا ساختار فضای ذهنی را ایجاد و هدایت کنند (Buszard, 2003:37). مثال‌های زیر به آشکار شدن نقش زمان فعل در ایجاد فضای ذهنی کمک می‌کند.

(۱۳): «کاویان وتی: ته‌تبه‌م بو شاری یاری!»

Kawyan wət-i ʔæ =t -b -æm bo ʃar-i yari.

بازی هسته-نما-شهر به ۱ش م-بردن-واژه‌بست ۲ش م=اخباری ۳ش م-گفت کاویان

ترجمه: کاویان گفت: من تو را به شهربازی خواهم برد.

در جمله (۱۳) عبارت «کاویان وتی» (kawyan wəti) (کاویان گفت) یک فضا‌ساز است، زیرا مخاطب هنگام مواجهه با این عبارت به یک فضای ذهنی جدیدی هدایت شده و کنجکاو می‌شود که کاویان چه چیزی می‌خواهد بگوید. در این جمله، گوینده، خبر از رخدادی می‌دهد که در زمان آینده اتفاق می‌افتد، پس می‌توان یک فضای ذهنی را به‌عنوان فضای پایه در نظر گرفت که در آن بر اساس زمان فعل (گفت) که گذشته و منطبق با زمان واقعی تولید جمله است، کاویان هنوز آقا گربه را به شهربازی نبرده است. گوینده با در نظر گرفتن فضای پایه، جمله (۱۳) را تولید می‌کند و خبری از آینده می‌دهد. باین‌وصف در ذهن مخاطب دو فضای ذهنی شکل گرفته است یک فضای ذهنی پایه یعنی «هنوز کاویان با گربه به شهربازی نرفته است» و فضای آینده که در آن قرار است رخداد «رفتن کاویان با گربه به شهربازی» اتفاق بیفتد.

جمله (۱۴) از داستانی انتخاب شده که در آن آقا گربه برای مداوای همسرش او را به نزد خرگوش می‌برد.

(۱۴): «دهبیهم بو لای که رویشکی زانا.»

Dæ =y -b -æm bo lay kærwejk -I zana.

دانا هسته‌نما-خرگوش پیش حرف‌اضافه پسوند اش‌م-بردن-واژه بست ۳ش‌م= اخباری

ترجمه: او را پیش خرگوش دانا خواهم برد.

در جمله (۱۴) گوینده یا نویسنده با توجه به زمان فعل خبر از رخدادی می‌دهد که هنوز روی نداده، اما قرار است در آینده‌ای نزدیک اتفاق بیفتد. حال مخاطب با شنیدن یا خواندن چنین جمله‌ای دو فضای ذهنی در ذهنش شکل می‌گیرد، در فضای ذهنی اول که همان فضای ذهنی واقعیت یا پایه است هنوز خانواده آقا گربه پیش دکتر نرفته‌اند و در فضای ذهنی جدید که مربوط به زمانی در آینده است این احتمال وجود دارد که آقا گربه همسرش را پیش دکتر ببرد.

۷.۵ وجه فعل

وجه فعل نیز به عنوان یک فضا ساز عمل می کند و در طول گفتمان می تواند سرنخی باشد که به گوینده و حتی شنونده این امکان را بدهد تا ساختار فضای ذهنی را ایجاد و سپس هدایت کنند. مثال های زیر به آشکار شدن نقش وجه فعل در ایجاد فضای ذهنی کمک می کند.

جمله (۱۵) از داستان تعدادی از حیوانات انتخاب شده که در کنار درختی در همسایگی هم دیگر زندگی می کنند و یکی از پرندگان برای دیگر همسایه ها مزاحمت ایجاد می کند.

(۱۵): «مه لووچک وتی: خوا هقت لهو زالمه بسینیت.»

mæluʃʃək wət-i xwa hæq=ət læw zalm-æ bə -sen -et.

۳م-گرفتن-التزامی معرفه-ظالم حرف اضافه واژه بست ۲ش=م=حق خدا ۳ش=م-گفت گنجشک

ترجمه: گنجشک گفت: خداوند حق تو را از آن ظالم بگیرد.

در جمله (۱۵)، عبارت فعلی «بسینیت» (bæsenet) (بگیرد) دارای وجه التزامی است یعنی واقع شدن یا نشدن آن قطعی نیست و بر امری احتمالی و غیرقطعی مانند دعا یا آرزو دلالت دارد. مخاطب با شنیدن این عبارت دو فضای ذهنی در ذهنش شکل می گیرد: یکی فضای پایه است که در آن کلاغ به لاک پشت صدمه زده و آزادانه برای خودش پرواز می کند و هنوز جواب کارهایش را نگرفته است. یک فضای ذهنی دیگر نیز در ذهن مخاطب بر مبنای فضای پایه شکل می گیرد که فضای دعایی یا فضای آرزو نام دارد. در این فضا، مخاطب شرایطی را تصور می کند که در آن آرزوی گنجشک برآورده شده و کلاغ به سزای کار خود رسیده است.

(۱۶): «هه ر ئیستا مرویه کان بچنه دهره وه.»

(Hær ʔesta) mærawi-y-æk-an bæ-ʃf-næ dær-æwæ.

پس اضافه-بیرون ۳ش=ج-رفتن-التزامی نشانه جمع-معرفه-واج میانجی-مرغابی (همین حالا)

ترجمه: همین الآن مرغابی ها بیرون بروند.

در جمله (۱۶) عبارت فعلی دارای وجه امری است، وجه امری بیانگر خواست، تمنا، خواهش و یا فرمان از سوی گوینده است. برای این گونه جملات می توان فضای پایه ای

مبتنی بر واقعیت در نظر گرفت که در آن کار خواسته‌شده هنوز انجام نشده و در فضای ذهنی دوم امر گوینده اجرا شده باشد.

۸.۵ افعال وجهی

افعال وجهی نیز می‌توانند به‌عنوان فضا‌ساز فضای ذهنی جدیدی را در ذهن مخاطب خلق کنند. از رایج‌ترین افعال وجهی در زبان کردی می‌توان به «ئه‌گه‌ری هه‌س، توانین، ده‌بی، ده‌بوا» (dæbwa dæbe twanin ægær-i hæš) (احتمال دارد، توانستن، باید، می‌بایست) اشاره کرد.

جمله (۱۷) زمانی تولید شده است که همه حیوانات جنگل دور یک بچه میمون جمع شده‌اند ولی به دلیل اینکه او کرولال است و حیوانات جنگل زبان اشاره بلد نیستند نمی‌توانند صحبت‌های او را بفهمند، بنابراین یکی از آن‌ها می‌گوید: خوک را صدا بزنید، احتمال دارد که زبان اشاره را بدانند.

(۱۷): «له‌وانه‌یه ئه‌و تینگات.»

Læwanæyæ⁴ ?æw te -bæ -g -at.

ش^۳م- فهم- الترامی- پیشوند او احتمال دارد

ترجمه: احتمال دارد او (خوک) متوجه شود.

در جمله (۱۷)، دو فضای ذهنی خلق می‌شود. اولی، فضای پایه یا همان فضای واقعی یعنی (عدم درک میمون از سمت جمع) است. گوینده، این فضا را به‌عنوان مبنا قرار می‌دهد تا بتواند فضای ذهنی جدیدی خلق کند که در آن با حضور خوک امکان درک کردن میمون توسط جمع فراهم شود. درواقع، فضا‌ساز «له‌وانه‌یه» (læwanæyæ) (احتمال دارد) مخاطب را به فضای ذهنی جدیدی هدایت می‌کند که در آن امکان اینکه خوک زبان اشاره را بلد باشد وجود دارد. جمله (۱۸) را سگ نگهبان خطاب به بچه اردکی می‌گوید که گل‌های فراوانی به خود آویزان کرده است.

(۱۸): «سه‌گه‌که پیکه‌نی و گوتی: ده‌بوابی ناوت گولگولی بیت.»

Sæg-ækæ pe -kæn-i u gut-i dæ-bwaye naw=æt guł-guł -i bet.

بود هسته‌نما-گل-گل واژه‌بست^۲م=اسم باید-اخباری^۳م-گفت و^۳م-خندیدن-پیشوند معرفه-سگ

ترجمه: آقا سگه خندید و گفت: می‌بایست اسم تو گل‌گلی می‌بود.

در قسمت آخر جمله (۱۸) یعنی «ده‌بوی ناونت گولگولی بیټ» (dæbwaye nawət) (gułguli bet) (می‌بایست اسمت گل‌گلی می‌بود) عبارت «ده‌بوی» (dæbwaye) (می‌بایست) یک فعل وجهی فضا‌ساز است. مخاطب با شنیدن این فعل متوجه می‌شود که احتمالاً آن‌چه گوینده می‌گوید برخلاف آن چیزی است که در جهان واقع وجود دارد؛ یعنی در کنار فضای ذهنی منطبق بر واقعیت که در آن نام اردک گل‌گلی نیست، فضای ذهنی دیگری در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد که در آن نام بچه اردک مطابق با نظر سگ‌نگهبان گل‌گلی است.

۹.۵ افعال کنش ذهنی

این نوع افعال که ویژگی ساختن فضاهای ذهنی را دارند دارای مفهومی انتزاعی بوده و بسته به بافتی که در آن به کار می‌روند می‌توانند فضاهای متفاوتی ایجاد کنند و در رفع ابهام و رفع تناقض برخی جملات نیز اثربخش باشند. افعالی نظیر (بریار دان، سویتند خواردن، گهره‌ک بوون، بیر کردنه‌وه، لی‌بران) (bir gæræk bun swend xward-ən bəryar dan) (Le bəran, kərdn-æwæ) (قول دادن، سوگند خوردن، خواستن، فکر کردن، تصمیم گرفتن) در زبان کردی از این دسته به شمار می‌آیند. مثال زیر از داستانی است که در آن، یک بچه اردک تصمیم می‌گیرد برای پیدا کردن گیاه دارویی به کوهستان برود و آن را برای ملکه بیاورد.

(۱۹): «رەشە^۵ بریاری دا هه‌موو ترسه‌کانی خوی بره‌وینتته‌وه.»

řæf-æ bəryar=i da hæmu tærs -æk -an -i

هسته‌نما- جمع(ها)- معرفه- ترس همه داد واژه‌بست ۳م=تصمیم پسوند-سیاه

Xo =y bə -řæwen -et -æwæ.

پس اضافه- ۳م- شکستن- التزامی واژه‌بست ۳م- خود

ترجمه: مرغابی کوچولو تصمیم گرفت که از این به بعد تمام ترس‌های خود را کنار بگذارد.

در جمله (۱۹) عبارت «بریاری دا» (bəryari da) (تصمیم گرفت) یک فضا‌ساز است زیرا با حضور آن در ذهن مخاطب یک فضای تصمیمی تداعی می‌شود. به بیانی دیگر،

مخاطب بعد از شنیدن یا خواندن این فعل بلافاصله درمی‌یابد که گوینده تصمیم دارد کاری را انجام دهد و فضای ذهنی متناسب با آن در ذهنش شکل می‌گیرد. جمله (۲۰) از زبان پروانه‌ای سفیدرنگ است که در مکانی دور از خانه خودش تعدادی پروانه‌های رنگارنگ می‌بیند و از آن‌ها می‌خواهد که با او بازی کنند.

(۲۰): «دهمه‌وی کایه‌تان له گهل بکه‌م.»

Dæ =m -æwe kayæ =tan læ gæl bə -kæ -m.

اشم-کن-التزامی همراه حرف‌افزافه واژه‌بست ۲شج= بازی خواه-واژه‌بست ۱اشم=اخباری

ترجمه: می‌خواهم با شما بازی کنم.

در جمله (۲۰)، فعل «دهمه‌وی» (dæmæwe) (می‌خواهم) یک فضا‌ساز است زیرا به محض اینکه مخاطب این عبارت را بشنود به یک فضای ذهنی سوق داده می‌شود که در آن کسی (در اینجا گوینده) قصد و تمایل به انجام عملی (بازی کردن) را دارد. به بیانی دیگر، ذهن مخاطب با شنیدن چنین عبارتی در قالب فضای ذهنی جدید که ایجاد شده برای تصور عملی که قرار است انجام گیرد، آماده می‌شود.

۱۰.۵ گزاره‌های تغییر

گزاره‌های تغییر گزاره‌هایی مانند (همچنان، به ترتیب، به تدریج) هستند که می‌توانند نقش فضا‌ساز را ایفا کنند، زمانی که مخاطب در طول گفت‌وگو با چنین گزاره‌هایی مواجه می‌شود، فضای ذهنی جدیدی را تصور می‌کند که مراتب تغییر در طول زمان را نشان می‌دهد.

(۲۱): «مریشکه قوله و جوجکه کانی ورده و زله و قله و تر ټه بوون»

mərišk-æ quł-æw u dzuŋkæ-k-an=i wərdæ-wərdæ zəl u qælæw-tər ʔæ-bu-n.

۳شج-شد-اخباری تر-چاق و بزرگ کم-کم واژه‌بست ۳اشم=جمع-معرفه-جوجه و کوتاه معرفه-مرغ

ترجمه: مرغ و جوجه‌هایش روزبه‌روز بزرگ و بزرگ‌تر شدند.

در جمله (۲۱)، عبارت «ورده ورده» (wərdæ wərdæ) (به تدریج) یک فضا‌ساز است، زیرا مخاطب را به سوی فضاهای ذهنی جدیدی سوق داده و نحوه رشد کردن جوجه‌ها و مرغ را به تصویر می‌کشد، به این ترتیب که اندازه مرغ و جوجه‌هایش در هر فضای ذهنی

نسبت به فضای قبلی به‌طور پیوسته بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. جمله (۲۲) از داستان دختری انتخاب شده که دوستدار محیط‌زیست است و برای آزادی حیوانات و پرندگان می‌کوشد.

(۲۲): «کوتره‌کانیش هه‌روا به سهر خه‌لکه‌که‌وه ته‌فرین و تا ده‌هات لییان نزیکتر ته‌بوونه‌وه.»

Kotr-æk-an=i] hærwɑ (bæ sær) xælk-æwæ ?æ-fəři-n

شج- پرواز کردن- اخباری پس اضافه- مردم (بالای سر) حرف اضافه هم- نشانه جمع- معرفه- کبوتر

u ta də-hat le =yan næzik-tr ?æ-bu-n-æwæ

پس اضافه- شج- بودن- اخباری تفضیلی- نزدیک واژه‌بست شج= از آمدن- اخباری تا و

ترجمه: کبوترها نیز در بالای سر مردمی که جمع شده بودند پرواز می‌کردند و هر چه زمان می‌گذشت آن‌ها به مردم نزدیک و نزدیک‌تر می‌شدند.

در جمله (۲۲)، عبارت «نزدیک و نزدیک‌تر» یک فضا ساز است که باعث می‌شود در ذهن مخاطب چندین فضای ذهنی شکل بگیرد: یک فضای ذهنی که در آن کبوترها در آسمان خیلی دور از مردم پرواز می‌کنند و فضاهای ذهنی دیگری که در آن کبوترها نسبت به فضای ذهنی قبلی به‌طور پیوسته نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند.

۱۱.۵ عبارات و اصطلاحات ادبی

برخی عبارات و اصطلاحات هستند که در متون ادبی داستانی مصطلح بوده و در مجموع به زمان، مکان یا رخدادی در عالم خیال و افسانه اشاره می‌کنند، مانند (روزی روزگاری، یکی بود یکی نبود). جمله (۲۳) از داستان یک شیر انتخاب شده است که شاه جنگل است.

(۲۳): «رۆژئ له رۆژان له ناو دارستانیکی زۆر جوان و سه‌رسه‌وز، شیرئ خاوه‌ن‌شکۆ و شاژنی هاوسه‌ری به‌یه‌که‌وه ده‌ژیان.»

řoz-e læ řozan læ naw darəstan-ek-I zor džəwan u sər-səwz řer-I

هسته‌نما- شیر سرسبز و زیبا خیلی هسته‌نما- نکره- جنگل داخل در روزی روزگاری

xawæn-řəko u řəzən-I hawsər-I bæ-yæk-æwæ də-řya-n.

پسوند شج- زندگی- اخباری باهمدیگر واژه‌بست شج= همسر هسته‌نما- ملکه و پادشاه

ترجمه: روزی روزگاری در داخل جنگلی زیبا و سرسبز، یک شیر که پادشاه آن جنگل بود و همسر او که ملکه بود باهمدیگر زندگی می‌کردند.

در جمله (۲۳)، عبارت «رۆژی له رۆژان» (röze læ rözan) (روزی روزگاری) به‌عنوان یک فضا‌ساز عمل می‌کند زیرا این عبارت در ذهن مخاطب فضایی را ایجاد می‌کند که مربوط به زمانی جدا از زمان حال بوده و مربوط به واقعیت‌های موجود در زمان حال نیست، بنابراین این عبارت کمک می‌کند تا مخاطب از زمان کنونی جدا شود و به زمانی فراتر از زمان کنونی در یک دنیای خیالی برود.

جمله (۲۴) از داستانی انتخاب شده است که در آن یک گاو، یک شتر و یک قوچ با هم در کوهستانی زندگی می‌کنند و در خوشی و ناخوشی‌های روزگار پشت یک‌دیگر را خالی نمی‌کنند.

(۲۴): «هه‌بوو نه‌بوو له ده‌ورانیکێ زۆر زوو له پادەشتیکێ سه‌سه‌وز، گا، وشتر و به‌رانیک دراوسی بوون»

Hæ -bu næ -bu læ dæwran -ek -i zor zu

زود خیلی هسته‌نما-نکره-زمان در بود-نهی بود-پیشوند

læ pa-dæft-ek-i sarsæwz ga wəftər u bæran dəræwse bu-n.

۳ش-ج بود همسایه قوچ و شتر گاو سرسبز هسته‌نما-نکره-دشت-دامنه در

ترجمه: یکی بود یکی نبود در زمان‌های خیلی دور، در دامنه کوهی سرسبز، گاو، شتر و قوچ همسایه بودند.

در جمله (۲۴)، عبارت «هه‌بوو نه‌بوو» (hæbu næbu) (یکی بود یکی نبود) و نیز عبارت «له ده‌ورانیکێ زۆر زوو» (læ dæwraneki zor zu) (در زمان‌های خیلی دور) فضا‌سازهایی هستند که مخاطب را از فضای مکانی و زمانی واقعی کنونی جدا کرده و به فضای ذهنی دیگری در دنیایی افسانه‌ای و خیالی می‌برند.

در این بخش تحلیلی کلی در مورد عملکرد و نقش فضا‌سازهای ذهنی در ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی ارائه گردید و در تلاش برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش با ارائه نمونه‌های مختلف از انواع فضا‌سازها و بررسی آن‌ها در بافت نشان داده شد که فضا‌سازها در گفتمان یا به‌طور دقیق‌تر درون جمله‌های داستان‌های کودکان، چگونه در برجسته‌سازی و ملموس ساختن موقعیت‌های گوناگون و همچنین ایجاد زمینه برای درک بهتر مفاهیم ایفای نقش می‌کنند؛ در واقع فضا‌سازهای ذهنی با ایجاد فضاهایی فراتر از فضای موجود، در ذهن انسان در حین گفتمان، مخاطب را به سوی درک کامل‌تر معنا و مفهوم هدایت می‌کنند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این بخش به بحث و نتیجه‌گیری کلی از تحلیل داده‌های پژوهش اختصاص دارد؛ در این راستا، ابتدا به ارائه نتایج حاصل از تحلیل جمله‌ها و پاسخی برای سؤالات پژوهش می‌پردازیم و سپس یافته‌های پژوهش حاضر را با نتایج مطالعات مرتبط پیشین مقایسه کرده و نکات اشتراک و افتراق احتمالی آن‌ها را برمی‌شماریم.

در بخش تحلیل داده‌ها نقش و چگونگی عملکرد فضاسازهای ذهنی نشان داده شد. باتوجه به توضیحات داده‌شده در بخش تحلیل کیفی داده‌ها می‌توان گفت که فضاسازها در ایجاد زمینه برای درک مفاهیم و همچنین در ساختن متنی منسجم و قابل درک نقش بسزایی دارند. به بیانی دقیق‌تر، فضاسازهای قید مکان و زمان در ایجاد فضاهای جدید برای قرار دادن مخاطب در زمان و مکان متفاوت، فضاساز حرف ربط در هدایت مخاطب از فضای موجود به فضای ایجادشده، فضاساز عبارات نفی در ساختن فضای ذهنی متضاد با انتظارات مخاطب، فضاسازهای شرطی در ایجاد فضای ذهنی جدید برای برانگیختن حس کنجکاوی مخاطب، فضاسازهای کمیت‌نما در ایجاد فضایی برای نشان دادن تعداد عناصر برای مخاطب، فضاسازهای زمان و وجه فعل در ایجاد فضاهای ذهنی محتمل‌الوقوع، فضاسازهای افعال وجهی در ایجاد فضاهای خیالی در برابر فضاهای واقعی، فضاسازهای از نوع افعال کنشی در ایجاد فضاهای جدید برای رفع ابهام، فضاسازهای گزاره تغییر در ایجاد فضاهای جدید برای نشان دادن تغییرات تداومی و فضاسازهای عبارات ادبی برای نشان دادن دامنه زمانی رخداد عمل یا داستان ایفای نقش می‌کنند.

در پاسخ به چگونگی عملکرد و نقش فضاهای ذهنی در چگونگی مفهوم‌سازی، درک و انتقال مفاهیم، یافته‌های حاصل از تحلیل کیفی داده‌ها نشان داد که کارکرد فضاهای ذهنی در ادبیات داستانی کودکان در زبان کردی در خلق یک متن زیبا و قابل درک، بدین شکل است که فضاسازها برای بیان هر رویداد، یک فضای ذهنی خاص ایجاد کرده و مخاطب را به داخل آن فضا هدایت می‌کنند و زمینه‌ای فراهم می‌سازند تا مخاطب رابطه بین عناصر موجود در رویداد و قالب آن را بهتر درک کند. مثلاً جمله‌ای مانند (امروز در مدرسه معلم آرش را تشویق کرد) حاوی فضاساز (مکان و زمان)، عناصر و قالب است. واژه امروز به‌عنوان فضاساز زمان، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن دامنه زمانی مشخصی برای مخاطب تعریف و بر اساس آن مخاطب بازه زمانی آن رویداد را درک می‌کند، واژه (در مدرسه) نیز

به‌عنوان فضا‌ساز مکان، در ذهن مخاطب فضایی را ایجاد می‌کند که مکانی خارج از مکان کنونی مخاطب است، این فضا‌ساز کانون توجه مخاطب را از فضای کنونی یا فضای واقعیت به آن فضای ایجادشده تغییر می‌دهد، واژه‌های «معلم و دانش‌آموز» عناصری هستند که در آن رویداد شرکت داشته و رابطه‌ای بین آن‌ها برقرار است و فعل تشویق کردن در واقع قالب جمله است که نوع رابطه میان عناصر را تعریف می‌کند. در واقع می‌توان گفت رابطه عناصر با همدیگر و همچنین ارتباط آن‌ها با قالب جمله توسط فضا‌سازها انجام می‌گیرد.

بر اساس آنچه تا به اینجا عنوان شد، فضا‌سازها عباراتی هستند که باعث ایجاد فضاهای ذهنی جدید شده و در قالب آن‌ها معنای یک گفتمان به بسته‌های مفهومی کوچک‌تر تبدیل می‌شود، به بیانی دیگر فضا‌سازهای ذهنی به‌مثابه نوعی آدرس‌دهی عمل می‌کنند، وقتی آدرس مکانی به کسی داده می‌شود، در واقع اطلاعات کلی مربوط به آن مکان به تکه‌های کوچکی از جمله، استان، شهرستان، خیابان، کوچه، طبقه و پلاک تقسیم می‌شود و در نهایت مکان دقیق مقصد موردنظر، در ذهن مخاطب تداعی می‌شود. درک مفاهیم در متون یا در طی گفتمان نیز می‌تواند به همین شیوه صورت گیرد که در طی آن تکه‌های کوچک آدرس همان بسته‌های کوچک معنایی هستند که شنونده را از یک فضای ذهنی به فضاهای ذهنی دیگری هدایت کرده و باعث می‌شوند که مخاطب در نهایت کل مفهوم متن یا گفتمان را دریابد. بر این اساس می‌توان اذعان کرد که فضا‌سازها نقش مهمی در درک و انتقال مفاهیم دارند و همچنین در ادبیات کودکان بسیار تأثیرگذار هستند و باعث می‌شوند که کودک بیشتر با فضای داستان آشنا شود و مفهوم داستان را بهتر درک کند.

در ادامه به مقایسه نتایج حاصل از پژوهش حاضر و چند مطالعه انجام‌شده دیگر می‌پردازیم:

نتایج پژوهش مشایخی (۱۳۹۲) نشان داد که فضا‌سازهای گروه قیدی به دلیل اینکه از عناصر تشکیل‌دهنده بافت موقعیتی هستند در هر لحظه از گفتمان، بافت آن موقعیت را ملموس‌تر و قابل‌فهم‌تر می‌سازند و همچنین در آماده ساختن ذهن مخاطب را برای درک متون نقش زیادی دارند. بنابر آنچه پیش‌تر گفتیم می‌توان نتایج پژوهش حاضر را تأییدی بر نتایج پژوهش مشایخی دانست و بر تأثیر این نوع فضا‌سازها در درک گفتمان صحه گذاشت.

نتایج حاصل از پژوهش کیخا (۱۳۹۷) نشان داد اگر در گفتمانی از فضاها برای ربطدادن عناصر به یکدیگر استفاده نشود، متنی نامفهوم و غیرقابل درک تولید می‌شود، با توجه به نتایج پژوهش وی، وجود فضاها در گفتمان یک امر بسیار مهم در درک و انتقال مفاهیم به شمار می‌آید و نتایج تحقیق حاضر نیز این امر را تأیید می‌کند.

یافته‌های حاصل از پژوهش نجفی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که تنوع فضاهای ذهنی امکان تولید یا درک معنا را برای خواننده یا نویسنده فراهم می‌سازند و باعث می‌شوند که هر متنی پویاتر و درهم‌تنیده‌تر به نظر برسد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش نجفی و همکاران (۱۳۹۵) نیز همسو بوده و آن را تأیید می‌کند.

نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده و راهگشای پژوهشگران بعدی در حوزه ادبیات کردی باشد. این پژوهش همچنین می‌تواند به غنای ادبیات نوشتاری کودکان در زبان کردی بیانجامد و آگاهی نویسندگان را نسبت به تفاوت‌های احتمالی شناختی میان کودکان و بزرگسالان بالا ببرد و همچنین مورد استفاده پژوهشگران حوزه ادبیات کودکان، مترجمان و ویراستاران و ناشران این حوزه و مدارس و مؤسساتی که به تدریس ادبیات کردی (مخصوصاً برای کودکان) مشغول هستند، قرار بگیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دلیل استفاده از قلم متفاوت در نگارش جمله‌های کردی این است که اگر با فونت (B lotus) نوشته شوند درهم می‌ریزند و قابل خواندن نیستند بنابراین از نوع قلم (Unikurd Midya) استفاده شده است.
۲. واژه «giyan-læ-bær» در زبان کردی از سه تکواژ تشکیل شده است که هرکدام دارای معنای خاصی هستند اما در مجموع به معنای جاندار یا جانور به کار می‌رود.
۳. (bezan) نام گیاهی است با گل‌های زرد رنگ که در کوهستان‌ها می‌رویند.
۴. این واژه از چند تکواژ تشکیل شده است که هرکدام به معنای خاصی اشاره دارد اما در مجموع به معنای (احتمال دارد، شاید) اشاره دارد.

Læ - æw - an - æ - y - æ

است - واج میانجی - پسوند - جمع - او - از

بررسی چگونگی مفهوم‌سازی، درک و انتقال ... (جلال تباشیر و دیگران) ۱۳۳

۵. «fæf + æ» در واقع اسمی است که برای بچه مرغابی انتخاب کرده‌اند، این واژه از یک تکواژ آزاد «fæf-» به معنی رنگ سیاه و یک تکواژ وابسته «æ» تشکیل شده است. در پژوهش حاضر، برای ترجمه واژه مذکور از واژه مرغابی کوچولو استفاده شده است.

کتاب‌نامه

- تقفی، عشرت. (۱۳۹۴). «فرآیند فضا‌سازی ذهنی در داستان کباب غاز جمال‌زاده». دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. دانشگاه محقق اردبیلی.
- دائرة‌المعارف فارسی. (۱۳۸۰). به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ج ۱، ذیل مدخل ادبیات کودک. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۶). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. تهران: انتشارات سمت.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی شناختی*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- کیخا، ف. (۱۳۹۷). توصیف فضاهای ذهنی نسیم جوزف داود در ترجمه جزء ۲۹ قرآن کریم وی براساس دیدگاه فوکونیه (۱۹۹۷). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- گلفام، ا؛ عبدالکریمی، س. (۱۳۸۹). «نقش نظریه فضاهای ذهنی در برطرف کردن نابه‌نجاری معنایی و ابهام‌زدایی ارجاعی». *فصل‌نامه پازند*، صفحه ۶۵ - ۷۷.
- مشایخی، ناهید. (۱۳۹۲). *فضا‌سازهای ذهنی در ادبیات کودکان در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه اصفهان.
- نجفی، آ؛ پهلوان‌نژاد، م؛ شریفی، ش. (۱۳۹۵). «رویکرد نوین در روایت‌شناختی بر اساس فضاهای ذهنی روایی و الگوی ان‌ام‌اس‌بی». *مجله علمی - پژوهشی*، شماره ۱۹۲، صفحه ۴۶ - ۲۱.

- Buszard, Laura Ann. (2003). *Constructional Polysemy and Mental Spaces in Potawatomi Discourse*. University of California, Berkeley.
- Croft, William. And Cruse, Alan. (2004). *Cognitive linguistics*. Cambridge: University Press.
- Dancygier, B. (2012). *The Language of Stories: A Cognitive Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, Vyvyan. (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Evans, Vyvyan and Green, Melanie. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University Press, Edinburgh: Edinburgh.
- Fauconnier, Gilles. (1994). *Aspects of Meaning Construction in Natural Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Fauconnier, Gilles. (1997 [2005]). *Mappings in Thought and Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fauconnier, Gilles. (2012). *Mental Spaces*. Oxford University Press.
- Geeraerts, Dirk. (2006). *A Rough Guide to Cognitive Linguistics*. Berlin. New York: Mouton de Gruyter.
- Lee, David. (2001). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Liu, Hui and Gao, Yuegin. (2010). "Mental Space Theory and Misunderstanding". *English Language Teaching*. 3(4). 75-86.
- Oberlander, Jonathan. 2006. Cognitive science. In Keith Brown, ed. *Encyclopedia of Language and Linguistics*. 526. Elsevier Press.
- Saeed, John I. (2009). *Semantics*. Oxford: Blackwell Press.
- Sweetser, Eve. (1990). *From Etymology to Pragmatics: Metaphorical and Cultural Aspects of Semantic Structure*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Taylor, John R. & Littlemore, Jeannette. (2015). *Bloomsbury companion to cognitive Linguistics*. London. New York Sydney.

